

Interpretive Methods of Imam Sajjad (AS)

Jamal Farazandwahy 

Assistant Professor of Theology, Razi University,
Kermanshah, Iran

Milad Asadi* 

M.A. in Quranic Sciences, University of Quranic
Sciences and M'arif, Kermanshah, Iran

Abstract


The connection between the Qur'an and the Ahl al-Bayt (AS) is the connection between light and enlightenment. The interpretive narrations in the narration assemblies are the explanation of the Qur'an. Examining the interpretive method of the Ahl al-Bayt (AS) can, in addition to a deep understanding of the interpretations of the most knowledgeable teachers of the Qur'an, be a guide, facilitator, and model for its commentators and followers. This article, with its descriptive-analytical method and library studies, reflects on the interpretive narrations of Imam Sajjad (AS) and examines the basic axes of the vision of that great Imam, relying on the interpretive methods of Imam Sajjad (AS). First, a Qur'anic example is mentioned for each method, and then the Imam's (as) interpretive method is given below. In this article, after emphasizing the importance of the discussion, the authors try to explain the interpretive method of Imam Sajjad (as) by analyzing the interpretive narrations and its claims, and finally conclude that the most important interpretive methods of the Prophet are: Quran to Quran, Quran to narration and the Qur'an are related to history, science, and literary texts.


Keywords: Interpretive methods, Imam Sajjad (AS), the Qur'an, the Sunnah, Tafsir.

* Corresponding Author: miladasadim@hotmail.com

How to Cite: Farazandwahy, J., Asadi, M. (2020). Interpretive Methods of Imam Sajjad (AS). *Seraje Monir*, 11(39), 145-170. Doi: 10.22054/ajsm.2021.17811.1234

روش‌های تفسیری امام سجاد (ع)

جمال فرزندوحی  استادیار الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، کرمانشاه،
 میلاد اسدی  *
 ایران

چکیده

پیوند میان قرآن و اهل بیت (ع) پیوند میان نور و روشنایی است. روایات تفسیری موجود در مجامع روایی، توضیح و تبیین قرآن است. بررسی روش تفسیری اهل بیت (ع) می‌تواند علاوه بر فهم عمیق تفاسیر آگاه‌ترین معلمان قرآن برای مفسران و پیروان آن‌ها به عنوان راهنما، راهگشا و الگو باشد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای با تأمل بر روایات تفسیری امام سجاد (ع) به بررسی محورهای اساسی بینش آن امام بزرگوار با تکیه بر روش‌های تفسیری امام سجاد (ع) می‌پردازد. ابتدا برای هر یک از روش‌ها یک نمونه قرآنی ذکر کرده، سپس روش تفسیری امام (ع) ذیل آن آمده است. نویسندگان در این نوشتار پس از ذکر اهمیت بحث با تحلیل روایات تفسیری و ادعیه آن حضرت سعی کرده‌اند تا روش تفسیری امام سجاد (ع) را بیان کرده و در نهایت به این نتیجه برسند که مهم‌ترین روش‌های تفسیری حضرت عبارتند از: قرآن به قرآن، قرآن به قرآن و روایت و قرآن با تاریخ، علم و متون ادبی است.

واژگان کلیدی: روش‌های تفسیری، امام سجاد (ع)، قرآن، سنت، تفسیر.

مقدمه

بر اساس حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام همپای قرآن هستند و همواره تا قیامت در کنار قرآن خواهند بود. بنابراین، در تبیین حقایق قرآنی با ارائه راهکارهای فهم کتاب آسمانی، دقیق‌ترین و بهترین روش‌ها را بیان خواهند کرد. ائمه علیهم السلام با توجه به نیاز بشر به تفسیر و تبیین آیات قرآن پرداخته‌اند. بر این اساس می‌توان آن‌ها را در کنار سایر ویژگی‌ها، معلمان روش‌های تفسیری نیز دانست. به بیان دیگر، یکی از نقش‌های اساسی اهل بیت علیهم السلام در ضمن بیان روایت‌های تفسیری، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن بوده است (معرفت، ۱۳۷۹ش).

بررسی روش تفسیری امام سجاد (ع) از جهاتی حائز اهمیت خاص است که اهمیت تفسیر امام سجاد علیه السلام را هم برای عموم مسلمانان و هم برای شیعه به‌طور خاص تثبیت می‌کند. حضرت علی بن الحسین (ع) برای عموم مسلمانان به‌عنوان یکی از تابعان دانشمند مطرح است و علمای فریقین به مقام شامخ علمی آن حضرت معترف‌اند (ر. ک: شریف قرشی، ۱۴۰۹ق).

بررسی تفسیر تابعان با توجه به نزدیکی به زمان نزول آیات، دارای اهمیت بوده و از جمله میراث علمی مسلمانان است (خضیری، ۱۴۲۰ق) به‌ویژه که امام چندین نفر از تابعان مفسر را تربیت کرده است (ر. ک: معرفت، ۱۳۷۹ش). همچنین حضور عالمان اهل تسنن در مجالس علمی آن حضرت، بیانگر جایگاه والای علمی و فعالیت‌های مفید علمی و حدیثی ایشان است. در محضر درس آن حضرت حتی از گروه‌هایی از اهل سنت و گاهی از بنی‌امیه حضور داشتند. زهری از بزرگان علم و فقه آن روزگار و از وابستگان به دربار از جمله این افراد بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق).

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوالات هستیم: ۱- حضرت علی بن الحسین (ع) به‌عنوان یک مسلمان عالم از چه شیوه‌ای برای تفسیر قرآن بهره گرفته است؟ ۲- در مرحله بالاتر حضرت زین العابدین (ع) به‌عنوان یک تابعی از چه شیوه و روشی برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده است؟ در این میان توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

الف- محور بررسی روایات تفسیری است که از حضرت به دست ما رسیده (جلالی کندری، ۱۳۸۹ش)

ب- در بررسی سندی فقط به حداقل ممکن اکتفا شده است؛ یعنی تطبیق محتوای روایت با کلیات اسلام و عدم مخالفت با اصول مسلم شریعت نظیر عصمت لحاظ شده است، چراکه بررسی تک تک روایات مجالی دیگر می‌طلبد. البته در مورد مطالب منقول از صحیفه سجادیه قائل به تواتر هستیم (مجلسی، بی تا و ر. ک: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق و پهلوان، ۱۳۷۸ق).

ج- در روش تفسیر به علم امامت اشاره خواهد شد که امام همانند سایر مردم نیازی به استفاده از روش‌های مختلف تفسیری برای فهم آیات وحی ندارند و هر آنچه بیان می‌کنند برای فهم دیگران است.

د- بررسی مساله تاثیر شرایط زمانی در روش تفسیر حضرت و مقایسه روش تفسیری آن امام با سایر تابعان از موضوعات مرتبط با این پژوهش بوده که مجال دیگری می‌طلبد.

۱. مفهوم روش تفسیری

تفاسیر متعدد قرآن نشان می‌دهد که هر یک از مفسران، قرآن را از منظری خاص و دیدگاهی محدود تفسیر کرده، مفاهیم قرآن را براساس بینش خود فهمیده و توضیح داده‌اند. برخی تنها به توضیح ادبیات، بلاغت و ابعاد لفظی و نحوی قرآن بسنده کرده‌اند. گروهی به دلیل تعلق خاطر شخصی یا به تناسب اقتضائات روزگار خود، توضیح و توصیف مباحث عقلی، فلسفی و کلامی قرآن را وجهه همت خود کرده‌اند و در این میدان، قرآن را معرکه آرای گوناگون و گاه متضاد خود ساخته‌اند. گروه دیگری از اهل تفسیر نیز به ابعاد فقهی، اخلاقی، عرفانی و... علاقه نشان داده‌اند. منظور از روش تفسیری این نوع اختلاف‌ها در قرآن نیست، چراکه این‌ها همه محصول اختلاف در نگرش به مفاهیم است، نه اختلاف در کیفیت و راهبرد استخراج معانی و مقاصد قرآن (ر. ک: یعقوبی، ۱۳۷۴ش).

روش‌های تفسیری در واقع از مبادی نخستین هر نوع پژوهش تفسیری است. مفسر باید در آغاز معلوم کند که چه مبنا و روشی را زیربنای استخراج مفاهیم عقلی، نقلی، علمی، کلامی، فلسفی و... از قرآن قرار داده است. اهتمام و توجه مفسر به یک بعد از ایجاد معارف قرآنی و انصراف از دیگر جنبه‌ها در مرحله بعد مطرح است. بنابراین،

اختلاف در گرایش‌های علمی مفسران، ربطی به روش‌های تفسیری ندارد و در واقع از اوصاف عرضی تفسیر است. از این رو، روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر بر اساس آن ایده و مفهومی را که خود ساخته و پرداخته است به عنوان تفسیر و مقصود کلام الهی معرفی می‌کند و برای کشف معانی از الفاظ قرآن، ربط الفاظ به یکدیگر و نیز برای کشف دلالات و احکام قرآنی از آن مستند یا مستندات پیروی می‌کند. ناگفته پیداست که هر مفسر، روش‌ها و مبانی دیگر را برای رسیدن به مقاصد قرآن ناکافی می‌داند و آن را مردود می‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ ش).

تفسیر به لحاظ روش به دو قسم کامل (اجتهادی) و تفسیر ناقص تقسیم می‌شود. تفسیر ناقص شامل: ۱- تفسیر قرآن به قرآن؛ ۲- تفسیر قرآن به عقل، ۳- تفسیر قرآن به روایات، ۴- تفسیر قرآن به رای، ۵- تفسیر علمی، ۶- تفسیر موضوعی و ۷- تفسیر رمزی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲ ش).

روش کامل و جامع آن است که مفسر از تمام ابزار و منابع لازم در تفسیر آیات قرآن استفاده کند به طوری که ابعاد معنا و مقصود آیه را به طور کامل مشخص سازد و نتیجه کامل بگیرد، اما روش ناقص عکس روش کامل و جامع است که در این روش مفسر ابزار یا منابع صحیح را در گزینش تفسیر استخدام نمی‌کند یا دچار انحراف می‌شود. به عبارت دیگر، مفسر بدون ملاحظه تمام منابع تفسیری و با تکیه بر تعدادی خاص از آن‌ها به تفسیر می‌پردازد (همان).

۲. روش‌های تفسیری امام سجاد (ع)

مهم‌ترین رویکرد تفسیر قرآن، تفسیر اهل بیت (ع) از قرآن است که خود دارای مباحثی خاص است. یکی از آن مباحث درک روش تفسیری امامان علیهم‌السلام در راستای تفسیر قرآن و کشف ابزار آن است. برخی از روش‌هایی که امام سجاد (ع) در تفسیر قرآن به کار گرفته به شرحی است که در ادامه آمده است

۲-۱. تفسیر قرآن به قرآن

این روش تفسیری بسیار متقن و قابل اعتماد و بیان برای همگان است که در بسیاری از آیات کاربرد دارد؛ زیرا بسیاری از عبارات و مفاهیم قرآنی در خود قرآن به علل خاص تکرار شده است. در آیات قرآن آمده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^۱؛ از امام سجاد (ع) سوال شد که مفهوم معصوم چیست؟ امام در پاسخ فرمود: او شخصی است که به واسطه ریسمان خداوند محفوظ است و ریسمان خداوند همان قرآن است. میان امام و قرآن تا روز قیامت جدایی حاصل نمی‌شود. امام، مردم را به قرآن دعوت می‌کند و قرآن انسان‌ها را به سوی امام راهنمایی می‌کند. این مساله، برگرفته از قول خداوند است که می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۲؛ امام سجاد (ع) در این بیان، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران را به آیه ۹ سوره اسراء تفسیر کرده‌اند. (عطاردی، ۱۳۷۹ش). طبق این آیه امام سجاد (ع) معصومین را وسیله‌ای برای تمسک خلق جهت هدایت معرفی می‌کند؛ یعنی همانگونه که تمسک به کلام الهی مایه نجات بشر از ضلالت است؛ زیرا معصوم به واسطه عنایت الهی خود متصل به آیات الهی است. بنابراین مراد از اعتصموا هم تمسک به قرآن و هم معصومین (ع) است.

۲-۲. تفسیر علمی

روش تفسیر علمی، روشی است که با استفاده از مباحث علمی به تبیین آیاتی که متضمن نکات علمی است، می‌پردازد. گاه تفسیر علمی از باب استخدام و تایید محتوای آیات به تبیین و توضیح آیاتی پرداخته که دربر گیرنده موضوعات علمی است. به عنوان مثال، قرآن کریم می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»^۳؛ اگر کسی بحث مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد در این آیه را با کروی بودن زمین مرتبط بداند، این یک شکل اعتدالی در تفسیر علمی است؛ نه آنکه به محض شنیدن یافته‌های علمی، آیه را با

۱. و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند. باشد که شما راه یابید (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

۲. همانا این قرآن به راهی که استوار است؛ هدایت می‌کند. (سوره اسراء، آیه ۹)

۳. پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر. (سوره الرحمن، آیه ۱۷)

آن مطابقت دهیم و در مقابل آن خاضع شویم و یا به طور صددرصد علوم را طرد کنیم و آن را با قرآن بیگانه جلوه دهیم (فکری، ۱۳۷۳ش).

خداوند در سوره رعد می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»؛ امام سجاد (ع) در ذیل همین آیه می‌فرماید: «ثم عمد ولكن لا ترونها»؛ آنجا ستون‌هایی است، اما شما نمی‌بینید (طوسی، ۱۴۱۴ق). این روایت از امام (ع) احتمالاً به نیروی جاذبه اشاره دارد.

طبق فرموده امام سجاد (ع) می‌توان نتیجه گرفت: بسیاری از آیات قرآنی دارای اسباب نزول هستند، اما نباید آیات منحصر به همان موارد نزول بشوند و مفاهیم قرآن را نباید در تنگنای حوادث صدر اسلام، محصور کنیم، بلکه چنان که امام سجاد (ع) می‌فرماید: «آیات قرآن همانند خورشید و ماه دائماً در حال جریان و تابش جدیدند» (عیاشی، بی‌تا).

در آیه ۱۷۳ سوره رعد می‌خوانیم: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ در ذیل این آیه امام سجاد (ع) می‌فرماید: خداوند حکیم هر چیزی را که برای سلامتی مردم زیان‌آور بوده و باعث هلاکت و نابودی آنان می‌شود؛ حرام و آنچه را برای سلامتی آن‌ها مفید بوده، حلال کرده است (صدوق، ۱۴۱۷ق).

امروزه علم بشری روشن ساخته است که خوردن خون، مردار، خوک و شراب چه ضررهایی برای بشر دارد. این پیشرفت‌های علمی موجب روشن‌تر شدن معنی این آیه و فلسفه حرمت آن‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق).

۱. خداوند همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که بتوانید آن را ببینید، برافراشت (سوره رعد، آیه ۲).
۲. خداوند تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را [هنگام سر بردن] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آن‌ها] ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، بر او گناهی نیست؛ زیرا خدا آمرزنده و مهربان است (سوره رعد، آیه ۱۷۳).

۲-۳. تفسیر ادبی

قرآن کریم، متنی زبانی است که به زبان عربی مبین نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ مهم‌ترین ویژگی متون ادبی تاثیر بر مخاطب، هم از نظر معنی و هم از نظر لفظ از طریق به کارگیری صنایع ادبی چون مجاز، تشبیه، تمثیل، استعاره، کنایه، تقدیم و تاخیر، قصه، وزن و نظم است (سیوطی، ۱۳۸۰ش). اگر هرگونه تلاشی مبتنی بر ابزارهای زبانی برای فهم یک متن ادبی را تفسیر ادبی بنامیم؛ در این صورت نخستین تلاش‌ها برای تفسیر قرآن را باید به عنوان تفسیر ادبی شناخت. به همین جهت بخش فراوانی از تفسیر منقول رسول خدا (ص) که به طور مستقیم به تفسیر متن پرداخته است، ذیل عنوان تفسیر ادبی قرار می‌گیرد (همان).

پس از رسول خدا (ص) در میان صحابه و تابعان، مشهورترین متن تفسیری که مبتنی بر شعر و ادبیات عرب است از آن ابن عباس (۶۷ق) است که به مسائل نافع بن ازرق شهرت یافت (همان). این روش ابن عباس آن گونه بود که برای بیان معنای هر کلمه از قرآن کریم به بیتی از شعر عرب استناد می‌کرد. این روش در سیره تفسیری ائمه معصومین (ع) نیز به چشم می‌خورد.

قواعد عرفی یکی از زیر مجموعه‌های روش تفسیر ادبی است. از دیگر روش‌های تفسیر ادبی، تفسیر لغوی، بیانی و بلاغی است. مراد از قواعد عرفی در ادبیات عرب تفسیر و بیان آیات قرآن کریم براساس قواعد ادبی همانند لغت، شعر، بیان، اعراب، نثر و... است. این قواعد برای فهم عبارات هر قومی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در این روش از قواعدی استفاده می‌شود که برای دیگران حجت و دلیل محسوب می‌شود و باید همه به این قواعد گردن نهند و چنین تفسیری را برگزینند (ابن خلدون، ۱۲۹۱ق). در ادامه به یک نمونه از آن در سخنان امام سجاد (ع) اشاره می‌شود.

امام صادق (ع) از امام باقر (ع) نقل می‌کند که امام سجاد (ع) فرمود: تو نمی‌توانی با هر کسی که می‌خواهی مجالست نمایی؛ زیرا خداوند از آن نهی کرده و فرموده است: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛^۱ طبق

۱. ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که ببندیشید (سوره یوسف، آیه ۲).

۲. وچون بینی کسانی که [به قصد توطئه] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر آن درآیند (سوره انعام، آیه ۶۸).

عرف محاوره که هر امری دلالت بر لزوم و وجوب می‌کند، امام سجاد (ع) از کلمه فاعرض: «اعراض کن» وجوب اجتناب را بیان کرده است (صدوق، ۱۴۱۷ ق).

امام سجاد (ع) در این روش از قواعد محاوره‌ای استفاده می‌کند که برای دیگران حجت و دلیل محسوب می‌شود و باید همه به این قواعد گردن نهند و چنین تفسیری را برگزینند.

امام سجاد (ع) هنگام تفسیر آیه ۲۵ سوره اسراء: «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا»؛ می‌فرماید: منظور از «اوابین» در ادبیات محاوره‌ای عرب کسی است که گناه و سپس توبه کرده باشد و باز گناه و بار دیگر توبه کرده است، اما در هیچ موردی به طور عمد به گناه بازنگشته است (طبرسی، ۱۳۷۳ ش).

در جای دیگر از ایشان نقل شده است که «ارم» در آیه ۷ سوره فجر «إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ» نام دمشق است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۱۱ ق).

۲-۴. تفسیر عقلی

عقل انسانی، حجت باطن خداوند در زمینه‌های گوناگون است و امکان تخطئه آن نیز، خود نیازمند برهانی عقلی است. یکی از مواردی که باید از عقل سود برد؛ فهم کتاب و سنت است. تفسیر آیات قرآن با تکیه بر عقل و قواعد عقلی، مورد اهتمام امامان معصوم (ع) نیز بوده است.

امام سجاد (ع) در پاسخ یکی از یاران خود که سوال کرد آیا خداوند دارای مکان است؟ فرمود: خداوند از نیاز به مکان منزّه است. ثابت بن دینار دوباره سوال می‌کند: پس چگونه است که خداوند درباره معراج پیامبر (ص) می‌فرماید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»؟ امام سجاد (ع) فرمود: منظور آن است که پیامبر (ص) به حجاب‌های نورانی نزدیک شد و ملکوت آسمان‌ها را نگریست. سپس نزدیک شد و از ناحیه زیر به ملکوت زمین نگاه کرد تا جایی که خیال کرد آنقدر نزدیک شده است که به اندازه دو طرف کمان یا نزدیک‌تر شده است (صدوق، ۱۴۱۷ ق)؛ بنابراین، عقل سلیم بشر می‌فهمد

۱. پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید، آگاه‌تر است اگر شایسته باشید قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است (سوره اسراء، آیه ۲۵).

۲. پس نزدیک آمد و نزدیک‌تر شد تا فاصله‌اش به قدر دو طرف کمان یا نزدیک‌تر شد (سوره نجم، آیه ۸ و ۹).

که خداوند جسم نیست که در مکان باشد، چرا که خداوند نیازمند مکان نیست پس مقصود از نزدیک شدن به خداوند قرب معنوی و سیر در ملکوت است.

۲-۴-۱. تفسیر عقلی با مصداقی روشن

قرآن در برخی آیات، علتی را برای حکمی بیان می‌کند و آن را بر مصداقی استوار می‌سازد؛ مانند آیه ذیل: «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ»^۱؛ امام سجاد (ع) فرمودند: خداوند این قوم را مسخ کرد به خاطر آنکه به منع صید ماهی توجه نکردند و در روزی که از این کار نهی شده بودند به آن مشغول شدند. پس چگونه می‌بینی حال کسانی را که فرزندان پیامبر را کشتند و حرمتش را شکستند؟ خداوند آن‌ها را در دنیا مسخ نکرد، اما عذابی در آخرت برای آن‌ها مهیا کرده که چندین برابر عذاب مسخ در دنیا است (طبرسی، بی تا).

در آیه ۵۰ سوره احزاب آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحَلَّلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲؛ مفسران درباره زن مومنی که خود را داوطلبانه بر پیامبر بخشید، دچار اختلاف شده‌اند؛ از امام سجاد (ع) نقل است که او ام شریک دختر جابر از قبیله بنی اسد بود (صدوق، ۱۴۱۷ق).

۱. و کسانی از شما [بنی اسرائیل] را که در روز شنبه از فرمان الهی سرباز زدید، نیک شناختید. پی ایشان را گفتیم: بوزینگان طرد شده باشید (سوره بقره، آیه ۶۵).

۲. ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای، حلال کردیم و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی تو و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن مومنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر بخشید در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد، [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان. ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است (سوره احزاب، آیه ۵۰).

از امام سجاد (ع) درباره آیه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»^۱؛ فرمود: «نزلت فی علی و فاطمه و الحسن و الحسین (ع) کان رسول الله (ص) یأتی باب فاطمه (س) کل سحرة فیقول السلام علیکم اهل البیت و رحمة الله و برکاته یرحمکم الله إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»^۲ (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق و مجلسی، ۱۴۰۳ ق)؛ «این آیه در مورد علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) نازل شده است. پیامبر (ص) هر سحر به درخانه فاطمه (س) می رفت و می فرمود: سلام بر شما اهل بیت و رحمت و برکت خدا بر شما باد خدا شما را رحمت کند. خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

از امام سجاد (ع) درباره آیه: «وَمِنَ النَّاسِ مَن یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۳؛ نقل است که فرمود: «نزلت فی علی (ع) حین بات علی فراش رسول الله (ص)» (حسکانی، ۱۴۱۱ ق؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق و حویزی، ۱۴۱۵ ق). این آیه در شان علی (ع) است؛ زمانی که در بستر رسول خدا (ص) خوابید.

۲-۴-۲. تفسیر عقلی با بیان فلسفه حکم

هر حکمی در اسلام، دارای فلسفه و هر امر ونهی در ورای خود، حکایت از مصلحت یا مفسده ای دارد که موجب «تکلیف» می شود. آیات قرآن نیز از این امر مستثنی نیستند. یکی از روش های بیان آیات قرآنی و توضیح و تفسیر آنها بیان فلسفه و علت حکم است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ

۱. و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش. ما از تو جوياي روزی نیستیم. ما به تو روزی می دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است. (سوره طه، آیه ۱۳۲)

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳

۳. و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است. (سوره بقره، آیه ۲۰۷)

مَسَاكِينٍ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ...^۱؛ امام سجاد (ع) به زهري می‌فرماید: آیا می‌دانی معادل روزه‌ای که برای طعام فقیر است؛ چگونه است؟ زهري پاسخ داد: خیر. حضرت فرمود: حیوان شکار شده را قیمت‌گذاری کرده و قیمتش را با گندم محاسبه می‌کنند و در برابر هر یک کیلو گندم باید یک روز روزه بگیرد (صدوق، ۱۳۹۰ ش). در گفتار امام سجاد (ع) ضمن تعیین مقدار روزه، فلسفه آن را نیز بیان می‌کند و از این طریق حکم الهی را بسیار دلنشین می‌سازد. آری، در دستگاه خدایی هیچ چیز بدون علت امکان تحقق ندارد. هر مساله‌ای راز و سببی دارد. امام علیه‌السلام از آیه قرآن استنباط کردند که اگر شخصی در احرام حیوانی را شکار کند، مرتکب عمل حرام شده است و در ازای آن باید کفاره پردازد. معادل این عمل حرام گرفتن یک روز روزه است که فلسفه آن را این‌گونه بیان می‌دارد؛ شخصی که آن حیوان را شکار کرده است باید قیمت آن را معادل هر کیلو گندم بسنجد.

یکی از احکام قرآنی، مساله قصاص است که خداوند به شکل بدیع و زیبایی می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»^۲؛ امام سجاد (ع) چگونگی نقش قصاص در زندگی را چنین بیان می‌کند: هر کسی قصد کشتن فردی را کند، اما بداند که مورد قصاص واقع می‌شود؛ از این جنایت صرف‌نظر می‌کند و همین مساله موجب بقای زندگی فردی می‌شود که قصد کشتن او را داشت و نیز موجب زنده ماندن خود فرد می‌شود که قصد کشتن دیگری را داشت و همچنین عامل حیات جمعی مردمی خواهد شد که به این حکم آشنا شده‌اند (طبرسی، بی‌تا).

۲-۵. تفسیر قرآن به تاریخ

زمینه پیدایش چنین تفسیری از قرآن این بوده است که قرآن کریم برخلاف سایر کتب آسمانی به یکباره نازل نشده است، بلکه به تدریج و در طول ۲۳ سال از دوره رسالت

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که در احرام هستید، شکار را نکشید و هر کس از شما به عمد آن را بکشد باید مانند آنچه را کشته از چهار پایان کفاره دهد که [شبهت آن را] دو عادل از میان شما تصدیق کند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره آن [آن] مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای کار زشت خود را بچشد (سوره مائده، آیه ۹۵).

۲. و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است (سوره بقره، آیه ۱۷۹).

پیامبر اکرم (ص) نزول یافت. طبق روایات ترتیب نزول، ۸۶ سوره از سوره‌های قرآن طی ۱۳ سالی نازل شد که پیامبر اسلام (ص) در مکه به سر می‌برد و ۲۸ سوره از سوره‌های قرآن طی ۱۰ سالی نازل شد که آن حضرت در مدینه می‌زیست. بسیاری از آیات قرآن در بردارنده حوادث تاریخی و بیانگر قصص انبیاء و صالحان است. برای تفسیر این دسته از آیات همراهی مناسب‌تر از تاریخ نیست. ائمه اطهار (ع) در تفسیر این گونه آیات همانند کسانی که در جریان تاریخ همان زمان‌ها قرار گرفته‌اند به تفسیر پرداخته و زوایای حیات گذشتگان و تحولات تاریخی را برای نسل‌های بعدی شکافته‌اند و این تفسیر آنگاه ضرورتش احساس می‌شود که سوال‌های عمده‌ای پیرامون تحولات تاریخی وجود داشته که در قرآن به آن پرداخته نشده و بیان آن‌ها به پیامبر (ص) و اهل بیت عصمت (ع) سپرده شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ ق و ر.ک: ابن عربی، ۱۴۱۲ ق و یعقوبی، ۱۳۷۴ ش).

امام سجاد (ع) در حدیثی طولانی و در گفت‌وگویی بسیار شیرین و شنیدنی، زوایای قصه یعقوب و یوسف را بیان داشته و به بسیاری از سوال‌ها و شبهات پاسخ داده است. در کتاب علل الشرایع آمده است که ابو حمزه ثمالی می‌گوید: با امام سجاد (ع) نماز صبح را در روز جمعه در مدینه خواندم. آنگاه که امام از نماز صبح و تسبیح خود فارغ شد به سوی منزلش حرکت کرد و من هم با او حرکت کردم. کنیزی داشت به نام سکینه به او فرمود: هر فقیری که از درب منزل گذشت به او طعام دهید؛ زیرا که امروز روز جمعه است. من گفتم هر کس سائل باشد، معلوم نیست، مستحق هم باشد. امام سجاد (ع) فرمود: من می‌ترسم از اینکه برخی از افرادی که اظهار حاجت می‌کنند، مستحق باشند و ما چیزی به او نداده باشیم و بدون جهت او را رد کرده باشیم. به همین سبب بر سر ما همان آید که بر سر یعقوب (ع) و خاندانش نازل شد. پس سائلان را طعام دهید. یعقوب (ع) در هر روز گوسفندی را ذبح می‌کرد و از آن صدقه می‌داد و بعد خود و عیال خویش از آن می‌خوردند. روزی سائلی که مومن و بسیار روزه‌گیر و مستحق بود و در نزد خدا دارای منزلتی بود به صورت رهگذری غریب، عصر جمعه‌ای نزدیک افطار جلوی درب خانه یعقوب (ع) ایستاد و گفت: از زیادی خوراک خود سائلی رهگذر، غریب و گرسنه را طعامی دهید. چند بار این سخنان را تکرار کرد. در حالی که اهل خانه صدایش را می‌شنیدند، اما او را تصدیق نمی‌کردند. پس آنگاه که مایوس از گرفتن طعام شد و شب هم فرا رسیده بود، رجوع کرد و به گریه افتاد. از گرسنگی به خدا شکایت کرد و آن

شب را روزه‌دار و گرسنه صبح کرد در حالی که صبر پیشه کرد و دائماً خدای را ستایش می‌کرد. این درحالی بود که یعقوب (ع) و خاندانش سیر و شکم پر شب را گذراندند و نزد آن‌ها مقداری از غذا نیز باقی مانده بود. خداوند به یعقوب (ع) در صبح آن روز وحی کرد که تو بنده مرا ذلیل کردی و به این سبب غضب مرا برانگیختی و تو مستحق تادیب و نزول عقوبت من شدی و بلای من دامنگیر تو و فرزندت خواهد شد (صدوق، ۱۴۱۷ ق).
 زید فرزند امام سجاد (ع) می‌گوید: از پدرم سوال کردم که چرا بعد از اینکه نمازهای یومیه تا پنج نماز تخفیف داده شد؛ دیگر پیامبر (ص) تقاضای تخفیف بیشتری نکرد؟ امام (ع) پاسخ داد: پیامبر (ص) می‌خواست تخفیف نمازهای یومیه را تا جایی برساند که اجر همان ۵۰ نمازی که در ابتدا خداوند برای امتش تشریح کرده بود، باقی بماند (همان و ر.ک: میهنی، ۱۳۸۲ ش).

امام سجاد (ع) در زمینه تفسیر قرآن با تاریخ براساس لحن و سیاق آیات و ترتیب نزول آیات قرآن، احکام آیات را بیان کرده است؛ در بخش اخیر سوره توبه خطاب به مسلمانان مدینه آمده است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ در ادامه همین سوره در فقره دیگری از آیات از پذیرش توبه سه نفری سخن رفته است که از جنگ تبوک تخلف کرده‌اند: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ این دو دسته از آیات سوره توبه، ترتیب زمانی یکی را بر دیگری نشان می‌دهد؛ یعنی نشان می‌دهد فقره دوم در زمانی بعد از نزول فقره اول نازل شده است: فقره اول قبل از وقوع جنگ تبوک و فقره دوم بعد از آن (زرکشی، ۱۴۰۸ ق).

این ترتیب زمانی گاهی در آیات متحدالموضوع نیز به چشم می‌خورد. بر این اساس می‌توان با گردآوری آیات متحدالموضوع در سوره‌های مختلف و ملاحظه نحوه نظارت

۱. سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید این برای شما بهتر است (سوره توبه، آیه ۴۱).

۲. و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ شد و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست؛ پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است (سوره توبه، آیه ۱۱۸).

زمانی آن‌ها بر یکدیگر، تقدم و تاخر نزول آن‌ها بر یکدیگر با تحقق یا تقریب تعیین کرد. برای مثال، مقارنه آیات سوره‌های بقره، نساء و مائده درباره باده‌گساری به روشنی ترتیب نزول آن‌ها را نشان می‌دهد. توضیح آن در سوره بقره با لحن آرامی آمده است که مسلمانان از تو درباره حکم خمر و میسر می‌پرسند. تو به آنان بگو در آن دو، زیان بسیاری است و البته سودهایی هم است، اما زیان‌های آن دو بیش از سودهای آن‌ها است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»؛ در این آیه به طور صریح از خمر و میسر نهی شده است.

در سوره نساء به طور صریح از نزدیک شدن به مسجد و نماز در حال مستی نهی شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا»؛^۱ تا اندازه‌ای افزایش شدت لحن این آیه را نسبت به آیه بقره نشان می‌دهد. در سوره مائده این شدت افزایش می‌یابد و خمر و میسر عمل پلید شیطانی خوانده می‌شود و دستور صریح داده می‌شود از آن‌ها پرهیز کنید و افزوده که آیا وقت آن نرسیده است که از آن‌ها دست بردارید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ

۱. درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند. بگو در آن دوگناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، اما گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است و از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند. بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را این‌گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند، باشد که بیندیشید (سوره بقره، آیه ۲۱۹).

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راه‌گذر باشید تا غسل کنید و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید؛ پس بر خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دست‌هایتان را مسح کنید که خدا بخشنده و آمرزنده است (سوره نساء، آیه ۴۳).

مُنْتَهُونَ»^۱؛ به این ترتیب امام سجاد (ع) نشان داد که براساس نزول تاریخی آیات (تقدم و تاخر زمانی) نخست سوره بقره سپس سوره نساء و سپس از آن سوره مائده نازل شده است و بر اساس مشخص شدن ترتیب نزول تاریخی آیات احکام را از آن‌ها استخراج کرده است (نکونام، ۱۳۸۰ ش).

۲-۶. تفسیر روایی

بعد از «تفسیر قرآن به قرآن» یکی از مسائلی که مورد اتفاق همه فرق اسلامی است، اولویت «تفسیر روایی» بر انواع دیگر تفسیرها است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲؛ درباره معنی اهل ذکر، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای آن را اهل بیت (ع) و گروهی اهل کتاب دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۳ ش)، اما مسلم است که در این آیه و آیه ۴۳ سوره نحل، روشن‌ترین مصداق آن ائمه معصومین (ع) هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق).

آیه ۷ سوره انبیاء خطاب به مشرکان و درباره سوال از اهل کتاب است (همان) و اهل ذکر را به اهل کتاب، تفسیر کرده‌اند، لیکن با توجه به عمومیت الفاظ آیه و القای خصوصیات نزول، تعمیم آن بر اهل ذکر، صحیح به نظر می‌رسد. عقل نیز تاکید می‌کند که هر جاهلی به عالم مراجعه می‌کند. نزد شیعه، این امر قطعی است که ائمه معصومین (ع) در زمان خود، عالم‌ترین و ذاکرترین افراد بوده و مصداق اعلای اهل ذکر، آن بزرگوارانند. بهترین تاویل نزد شیعه برای عبارت «اهل ذکر» در این آیات اهل بیت عصمت و طهارتند که محل مراجعه شیعیان بوده‌اند (همان).

برخی صحابه بزرگوار مانند ابن عباس، ابی بن کعب، ابن مسعود، ابوذر و سلمان، پس از پیامبر (ص) همواره برای فهم و آشنایی آیات به حضرت علی (ع) مراجعه می‌کردند و او را محور تفسیر آیات می‌دانستند. در بین تابعین نیز جمعی از پیروان اهل بیت (ع) مانند

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند. پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی‌دارید (سوره مائده، آیه ۹۰-۹۱).

۲. و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم، گسیل نداشتیم. اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی بپرسید (سوره انبیاء، آیه ۷).

محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، عطا بن سائب، محمد سائب کلبی، سلیمان بن مهران و ابو حمزه ثمالی به اهل بیت (ع) مراجعه می‌کردند و تفسیر را از آنان فرا می‌گرفتند (همان). در مثالی دیگر امام سجاد (ع) در ذیل تفسیر آیه: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا»؛ می‌فرمایند: مراد از «شجره ملعونه» در آیه بنی‌امیه است. امام سجاد (ع) در تفسیر این آیه از جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنان علی (ع) می‌فرمایند: روزی پیامبر (ص) را در بالای منبر خواب مختصری در ربود در خواب دیدند که گروهی از مردم همانند میمون بر منبر او بالا رفته و پایین می‌روند و مردم را به غیر دین خدا و به سوی کفر و شرک دعوت می‌کنند. بنا به فرموده امام سجاد (ع) آنان همان حاکمان ظالم بنی‌امیه هستند که از آنان در آیه مبارکه با عنوان شجره ملعونه یاد شده است (صحیفه سجاده، ۱۳۸۷ ش).

بحث و نتیجه‌گیری

امام زین العابدین (ع) از مفسران بزرگ و تاثیرگذار زمان خود به‌شمار می‌روند. روایات تفسیری که از این امام همام (ع) به دست ما رسیده است، نشان می‌دهد ایشان در کنار تفسیر آیات قرآن، می‌کوشید تا شیوه صحیح تفسیر قرآن را به مسلمانان بیاموزد. استناد امام زین العابدین (ع) در تفسیر به منابعی نظیر قرآن، احادیث معصومین پیش از خود، اصول عرفی زبان عرب، تاریخ و اصول عقلی نشان‌دهنده همین امر است و جامعیت روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام را می‌رساند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Jaml Farazandwahy



<https://orcid.org/0000-0002-2047-0515>

Milad Asadi



<https://orcid.org/0000-0001-5891-6749>

۱. و ما رؤیایی را که به تو ارائه دادیم و درختی را که به لعن در قرآن یاد شده قرار ندادیم جز برای آزمایش و امتحان مردم و ما آنها را می‌ترسانیم و لیکن آیات بر آنها (سوره از فرط شقاوت) جز طغیان بزرگ چیزی نیفزاید (سوره اسراء، آیه ۶۰)

منابع

قرآن مجید

صحیفه سجاده.

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *الذریعه الى تصانیف الشیعه*. جلد ۱۵. بیروت: دارالاضواء.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله. (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. جلد ۸. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۲۹۱ق). *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن عاشور، محمد. (۱۳۸۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر*. بیروت: موسسه تاریخ.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۴۱۵ق). *الفهرست*. بیروت: دار المعرفه.

استرآبادی، شرف الدین. (۱۴۱۷ق). *تاویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره*. قم: موسسه النشر الاسلامی.

بحرانی، هاشم. (۱۳۷۵ش). *البرهان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱ و ۳. قم: دار التفسیر.

پهلوان، منصور. (۱۳۷۸ق). *اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله*. تهران: علوم حدیث.

ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا). *سنن ترمذی*. بیروت: دار الفکر.

حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسکائی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآيات النازله فی اهل البیت*. جلد ۱ و ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حویزی، عبدالعلی. (۱۱۱۲ق). *تفسیر نور الثقلین*. ترجمه محمد مهدی سازندگی و محمد حسین فاطمی نیا و هادی صلواتی. جلد ۱. تهران: نشر نوید اسلام.

جلالیان، حبیب الله. (۱۳۷۲ش). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*. قم: اسوه.

جلالی کندری، سهیلا. (۱۳۸۹ش). *جایگاه قرآن در روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام*، بینات، (۶۸) هفدهم/ ۴، ۲۸-۱۱.

خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۶۴ش). *تفسیر و تفاسیر جدید*. تهران: انتشارات کیهان.

خضیری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التابعین*. جلد ۲. عربستان: دارالوطن.

رفیعی محمدی، ناصر. (۱۳۸۲ش). *تفسیری علمی قرآن*. تهران: انتشارات کیهان.

سرفرازی، عباس علی. (۱۳۷۸ش). *رابطه علم و دین*. تهران: نشر نوید اسلام.

سیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۰ش). *الاتقان فی علوم القرآن*. جلد ۱ و ۲. قم: مکتبه فخر الدین.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲ ش). مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی.

شریف قرشی، باقر. (۱۴۰۹ق). حیاة الإمام زین العابدین علیه السلام. جلد ۱. بیروت: دار الأضواء. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). علل الشرایع. جلد ۱ و ۲. قم: موسسه بعثت.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۱۱، ۱۲ و ۱۴. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، احمد بن علی. (بی تا). الاحتجاج. نجف: دار النعمان.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۳ ش). جوامع الجامع. جلد ۲ و ۳. تهران: آستان قدس.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأملی. قم: دار الثقافة.

قمی، عباس. (۱۳۶۴ ش). سفینه البحار. تهران: دار الاسوه.

عطاردی، عزیز الله. (۱۳۷۹ ش). مسند الإمام سجاد علیه السلام. جلد ۱. تهران: عطارد.

علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱ ش). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری. قم: اسوه.

عمید زنجانی، عباس علی. (۱۳۷۳ ش). مبانی و روش‌های تفسیری. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

عیاشی، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسیر عیاشی. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. جلد ۲. تهران: المكتبة العلمیه الاسلامیه.

غزالی، امام محمد. (۱۳۶۴ ش). مشکوه الانوار. ترجمه صادق آدینه‌وند. تهران: امیرکبیر.

فکری، علی. (۱۳۷۳ ش). القرآن ینبوع العلوم و الفرقان. تهران: دار الاسوه.

فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۶ق). تفسیر صافی. تصحیح حسین اعلمی. تهران: منشورات مکتبه صدر.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (بی تا). تفسیر فرات کوفی. بیروت: دار المعرفه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ ش). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر. (بی تا). بحار الانوار. جلد ۱۹، ۲۵ و ۱۰۷. بیروت: موسسه وفا.

معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۹ ش). تفسیر و مفسران. جلد ۱. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میهنی، محمد بن منصور. (۱۳۸۲ ش). التوحید. تحقیق محمد رضا موحدی. تهران: اهل قلم.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۴ ش). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. جلد ۱ و ۲.

تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References

The Holy Quran

Sahifa Sajjadia

- Alavi Mehr, H. (2002). Interpretive methods and tendencies. Qom: Aswa [In Persian].
- Amid Zanjani, A. (1994). Fundamentals and interpretive methods. Tehran: Ministry of Islamic Guidance [In Persian].
- Astarabadi, Sh. (1996). Interpretation of apparent verses in the virtues of pure atrah. Qom: Islamic Publishing Institute [In Persian].
- Atardi, A. (2000). The seat of Imam Sajjad Abi Muhammad Ali bin Al-Hussein, peace be upon him. Volume 1. Tehran: Mercury [In Persian].
- Ayashi, M. (Without). Interpretation of ayashy. Research by Hashem Rasooli Mahallati. Volume 2. Tehran: Islamic Scientific Library [In Persian].
- Bahrani, H. (1996). Alburhan in the interpretation of the Qur'an. Volumes 1 and 3. Qom: Dar al-Tafsir [In Persian].
- Faiz Kashani, M. (1995). Interpretation of the Safy. Corrected by Hossein Aalami. Tehran: Sadr School Publications [In Persian].
- Fikri, A. (1994). The Qur'an is the source of knowledge and differences. Tehran: Dar al-Aswa [In Persian].
- Ghazali, M. (1985). Meshkooth Al-Anwar. Translated by Sadegh Adinehvand. Tehran: Amirkabir [In Persian].
- Agha Bozorg Tehrani, M. (1982). *Classifications of Shiites to Al-Dhari'a*. Volume 15. Beirut: Dar Al-Azwa [In Persian].
- Haskani, O. (1990). Evidence of the reduction of the rules of differentiation in the verses of revelation in the Ahl al-Bayt. Volumes 1 and 2. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian].
- Harun Eamiliun, M. (Without). Wasayil alshayeih. Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi [In Persian].
- Havizi, A. (1700). Explanation of Noor Al Thaqlain. Translated by Mohammad Mehdi Sazandegi and Mohammad Hossein Fateminia and Hadi Salavati. Volume 1. Tehran: Navid Islam Publishing [In Persian].
- Ibn Abi Al-Hadid, A. (1983). *Explanation of Nahj al-Balaghah*. Investigation of Mohammad Abolfazl Ibrahim. Volume 8. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi [In Persian].
- Ibn Ashour, M. (1960). Interpretation of altahryr and altanuyr. Beirut: Institute of History [In Persian].
- Ibn Khaldun, A. (1874). *History of Ibn Khaldun*. Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi [In Persian].

- Ibn Nadim, M. (۹۹۴). *Alfehrest*. Beirut: Dar al-Ma'rifah [In Persian].
- Jalalian, H. (1993). History of the interpretation of the Holy Quran. Qom: Aswa [In Persian].
- Jalali Kondari, S. (2010). The position of the Qur'an in the interpretive narrations of Imam Sajjad (as), Baynat, (68) seventeenth / 4, 11-28. [In Persian].
- Khediri, M. (1999). Interpretation of the followers. Volume 2. Saudi Arabia: Dar Al-Watan [In Persian].
- Khorranshahi, B. (1985). New Interpretation. Tehran: Kayhan Publications [In Persian].
- Klini, M. (1984). Alkafi. Tehran: Islamic Library [In Persian].
- Kufi, F. (Without). Interpretation of the Furat Kofi. Beirut: Dar al-Ma'rifah [In Persian].
- Maerfat, M.H. (2000). Interpreters. Volume 1. Qom: Tamahid Cultural Institute [In Persian].
- Majlisi, M.B. (unpublished). Baha ralanwar. Volumes 19, 25 and 107. Beirut: Wafa Institute [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (۱۹۹۵). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Mihani, M. (2003). Altawhyd. Research of Mohammad Reza Movahedi. Tehran: Ahl-e Qalam [In Persian].
- Pahlawan, M. (1999). *Documents and elders of the complete narrators of the book*. Tehran: Hadith Sciences [In Persian].
- Qomi, A. (1944). Safynah albahaar. Tehran: Dar al-Aswa [In Persian].
- Rafiei Mohammadi, N. (2003). Scientific interpretation of the Quran. Tehran: Kayhan Publications [In Persian].
- Saduq, M. (1996). Causes of Sharia. Volumes 1 and 2. Qom: Besat Institute [In Persian].
- _____ (2011). Man layahdurh alfaqih. Volume 2. Tehran: Islamic Library [In Persian].
- Sarfarazi, A. (1999). The Relationship between Science and Religion. Tehran: Navid Islam Publishing [In Persian].
- Shaker, M. (2003). Fundamentals and methods of Qur'anic interpretation. Tehran: World Center of Islamic Sciences [In Persian].
- Sharif Qarshi, B. (1988). The life of the Imam is the adornment of the worshipers, peace be upon them. Volume 1. Beirut: Dar Al-Azwa [In Persian].
- Siouti, J. (2001). Al-Atqan in the sciences of the Qur'an. Volumes 1 and 2. Qom: Fakhruddin School [In Persian].

- Tabatabai, M.H. (1996). *Almayzan in the interpretation of the Qur'an*. Volumes 11, 12 and 14. Qom: Qom Seminary Teachers Association [In Persian].
- Tabarsi, A. (Without). *Alaihtijaj*. Najaf: Dar al-Nu'man [In Persian].
- Tabarsi, F. (1994). *Jawamie aljamie*. Volumes 2 and 3. Tehran: Astan Quds [In Persian].
- Tirmidhi, M. (Without). *Sunnah of Tirmidhi*. Beirut: Dar al-Fikr [In Persian].
- Tusi, M. (1993). *Amaly*. Qom: Dar al-Thaqafah [In Persian]
- Yaqoubi, A. (1995). *Jacobean history*. Translated by Mohammad Ebrahim Aiti. Volumes 1 and 2. Tehran: Scientific and Cultural Publications [In Persian]

استناد به این مقاله: فرزندوحی، جمال، اسدی، میلاد. (۱۳۹۹). روش‌های تفسیری امام سجاد (ع). سراج منیر،

Doi: 10.22054/ajsm.2021.17811.1234 .۱۷۰ -۱۴۹ ،(۳۹)۱۱



Journal of Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.